

تحلیل گلدمنی قهرمان مسئله‌دار در آثار جمال میرصادقی (درازنای شب و کلاغها و آدمها)

پریسا گلیاری^۱
رضا برزویی*^۲
بدریه قوامی^۳
جمال ادهمی^۴

چکیده

رمان، درمقام مهم‌ترین شکل ادبی دوران مدرن، به روایت سرگذشت انسان مسئله‌دار و توصیف جریان‌های اجتماعی می‌پردازد. تحلیل شخصیت و وضعیت قهرمان مسئله‌دار در رمان را نخست جرج لوکاچ و سپس لوسین گلدمن مطرح کرد. از منظر این رویکرد، کارکرد اصلی رمان، جستجو و وراثت تباهی انسان در جامعه مدرن است، چراکه این تباهی پیوندهی ناگسستگی با ساختارهای اجتماعی مدرنیته دارد. رمان به‌مثابه گونه ادبی همزاد مدرنیته پایه‌پای تحولات جامعه مدرن تحول می‌یابد و قهرمان آن همان فرد معمولی است که در متن زندگی روزمره مدرن با مسایل و معضلات این عصر دست و پنجه نرم می‌کند. جمال میرصادقی نویسنده‌ای است واقع‌گرا که آثارش بازتابی از حوادث و وقایع تاریخی است و می‌توان شاخصه‌های شخصیت پروبلماتیک را به‌طور خاص در دو رمان او، *درازنای شب و کلاغها و آدمها*، مشاهده کرد. این پژوهش به شیوه‌ای تحلیلی-توصیفی و با بهره‌گیری از نظریه گلدمن به بررسی مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیت پروبلماتیک در این دو رمان می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که قهرمان، در هر دو رمان، شخصیت پروبلماتیکی است که بنا به ویژگی‌هایی چون فردیت، پیروی از ارزش‌های راستین، مخالفت با اجتماع و درحاشیه‌بودن شاهد تباهی ارزش‌های راستین در جامعه است و در نهایت تداوم همین مسیر مرگ او را درمقام انسانی مسئله‌دار رقم می‌زند.

کلید واژگان: قهرمان مسئله‌دار، گونه ادبی، زندگی روزمره، تباهی، انسان معمولی.

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۲۵ - 2021/08/16

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۲۰ - 2021/10/12

۱. دانشجوی دوره دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحدسنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.
(p.golyari1350@gmail.com)

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحدسنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. (نویسنده مسئول)
(rebo1344@gmail.com)

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحدسنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.
(bghavami@iausdj.ac.ir)

۴. استادیار گروه علوم اجتماعی، واحدسنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.
(jadhami2000@gmail.com)

بیان مسئله

تأمل جامعه‌شناختی در رمان ابتدا در اندیشه هگل و سپس در آرای لوکاچ پدیدار شد و به شکل مبسوط‌تر لوسین گلدمن بدان پرداخت. جامعه‌شناسی رمان اثر ادبی را در تعامل با جامعه مورد بررسی قرار می‌دهد. رمان گونه‌ای ادبی است که بیش از هر گونه ادبی دیگر تحت تأثیر شرایط و اوضاع جامعه قرار دارد و بهتر از هر اثری می‌تواند ساختار اجتماعی را بازتاب دهد. در این میان، رمان رئالیستی توان بیشتری در بازتاب ساختار اجتماعی جامعه دارد. قهرمان آن فردی مسئله‌دار (پروبلماتیک) است و در چنبره آداب و رسوم و قوانین حاکم بر جامعه است که اراده و استقلال او نادیده گرفته می‌شود و موجب جدایی او از جامعه می‌شود و مقدمات تباهی او را ایجاد می‌کند. قهرمان رمان در برابر ارزش‌های حاکم می‌ایستد و می‌کوشد در جامعه تباه، ارزش‌های راستین را بازگرداند؛ اما شکست می‌خورد و منزوی می‌شود. از نظر گلدمن کارکرد اصلی رمان، جستجوی تباه ارزش‌ها در جامعه تباه است که منجر به تضاد با جهان می‌شود. تصویری که میرصادقی ارائه می‌دهد تصویری واقعی است از احوال انسان است که میان ارزش‌های راستین و ارزش‌های تباه گرفتار است. تأثیر جامعه‌شناسی رمان در مطالعات ادبی از اهمیت بسیاری برخوردار است زیرا میان اثر ادبی و ساختار جامعه، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. اهداف این پژوهش بررسی شخصیت‌های پروبلماتیک در رمان‌های *درازنای شب و کلاغ‌ها و آدم‌ها* براساس نظریه گلدمن و آشنایی با مؤلفه‌های شخصیت پروبلماتیک در رمان‌های مذکور است که میرصادقی ضمن بیان واقعیت اجتماعی، از هنر داستان‌نویسی دور نشده است. نویسنده در همه حال دغدغه جامعه خود را دارد و همواره در آثارش به بیان مشکلات جامعه خویش می‌پردازد و «رمان‌های درازنای شب و کلاغ‌ها و آدم‌ها» از این گونه آثارند. در این نوشتار به طرح انسان مسئله‌دار و ویژگی‌های آن می‌پردازد و مناسبات و روابط او را با جامعه مشخص می‌کند و خوانش رمان از منظر جامعه‌شناختی برای مخاطب موجب قدرت درک و بینش متن، در بستر اجتماعی-تاریخی می‌شود. در جامعه سرمایه‌داری ارزش‌ها بر مبنای سود و ثروت شکل می‌گیرد که در تقابل با ارزش‌های انسانی است. این تضاد موجب طغیان انسان علیه نظام حاکم می‌شود و در رمان به صورت شخصیت پروبلماتیک^۱ ظاهر می‌شود. عامل پیدایش رمان در دوران معاصر، پروبلماتیک است. فرد مسئله‌دار (پروبلماتیک) فردی است که با تمام مسائل منفی و مثبت موجود در جامعه شهری مدرن در ارتباط است و از آنجایی که فرم رمان، برگردان زندگی روزمره است؛ ظاهری واقعی، رئالیستی و رسالتی فراتر از قصه‌گویی و سرگرمی دارد که آن تعامل میان جامعه و اثر ادبی است. رمان از همان ابتدا پیوند چشمگیری با جامعه داشته است؛ از این‌رو بیشترین سهم را در پیوند با اجتماع دارد زیرا وقایع و مظاهر زندگی را به خوبی منعکس می‌کند و به بررسی ساختار درونی داستان و مطابقت آن با دنیای واقعی می‌پردازد. جرج لوکاچ^۲ منتقد و فیلسوف مجارستانی برای اولین بار قهرمان پروبلماتیک را به کار برد

^۱. problematic

^۲. G. lukac

و آن را از پیامدهای جامعه سرمایه داری خواند. پس از وی شاگردش لوسین گلدمن^۱ به شکل کارآمدتر و عینی‌تر این اصطلاح را به کار برد و از آن به عنوان انسان مسئله‌دار یاد کرد و با توجه به آن که «رمان، محصول دوره بورژوازی است؛ دارای سرگذشت پروبلماتیکی است و در جامعه‌ای که کلیه ارزش‌ها با کمیت و پول سنجیده می‌شود جستجو برای ارزش‌ها و فضائل انسانی، حقیر و بی‌ارزش است در چنین جامعه‌ی رو به زوال فرهنگ، جایگاهی ندارد و شخصیت اصلی رمان فرد عادی است که وابسته به گروه و طبقه خاصی نیست او که نماینده هم‌نوعان خویش است از میان قشر متوسطی است که در شرایطی خاص دچار نارضایتی می‌شود و به انتقاد و مخالفت می‌پردازد و قهرمان رمان بر خلاف قهرمان حماسه، گسست قاطع و رفع نشدنی با جهان و واقعیت دارد» (گلدمن، ۱۳۷۱: ۴۵).

جمال میرصادقی در طول شش دهه از عمر گرانمایه‌اش در هنر داستان‌نویسی و رمان، داستان کوتاه را به جایگاهی خاص رساند. وی معتقد است که مایه اصلی داستان، حادثه است. هر کسی به راحتی می‌تواند بنویسد فقط باید حادثه‌های زندگی خود را در قالب داستان درآورد و زیربنای داستان-نویسی را تجربه و مشاهده و بینش می‌داند که با چاشنی تخیل و خلاقیت جمع می‌شود (میرصادقی، ۱۳۶۶: ۱۵-۱۰). آثار وی از دو جنبه قابل اهمیت است یکی از جهت نقد و نقادی که با نوشتن کتاب‌هایی چون؛ عناصر داستانی و ادبیات داستانی، او را منتقد ادبی معرفی می‌کند و دیگر، نویسندگی است که از سال ۱۳۳۷ تا به امروز کتاب‌های وی چاپ می‌شود و هنوز خواننده دارد آثاری چون کلاغ‌ها و آدم‌ها (۱۳۸۴)، آتش از آتش (۱۳۶۵)، درازنای شب (۱۳۴۹) و... از آن جمله است. وی که یکی از نویسندگان معاصر در حوزه ادبیات داستانی است به عنوان نویسنده ای رئالیست، به بررسی مسائل و تحولات اجتماعی جامعه خویش می‌پردازد و رمان‌های «درازنای شب و کلاغ‌ها و آدم‌ها» به جهت واقع‌گرایی و حقیقت‌نمایی، رونمایی از اجتماع عصر پهلوی دوم است و گنش و عملکردهای شخصیت اصلی هریک از رمان‌ها بنا به ویژگی‌های خاص آن‌ها که در صفحات بعد می‌آید، از خصلت پروبلماتیکی برخوردارند. قهرمان رمان، فردی مسئله‌دار است زیرا فردیت او در برابر نهادهای اجتماعی فراموش می‌شود. بنابراین یکی از پیامدهای جامعه سرمایه‌داری، انسان مسئله‌دار است و رمان مهم-ترین شکل ادبی دوران مدرن است و می‌تواند جامعه‌ی زمان خود را به تصویر بکشد و رمان‌های معاصر با تأثیر از جامعه‌شناسی رمان، بازتاب واقعی جامعه است. این پژوهش به بررسی مهم‌ترین مؤلفه‌های شخصیت پروبلماتیک در رمان‌های «درازنای شب» و «کلاغ‌ها و آدم‌ها» بر اساس نظریه گلدمن می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

در راستای این پژوهش آثار ارزشمندی نوشته شده است که عبارتند از؛ گلیاری و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله ای با عنوان «تحلیل رمان درازنای شب براساس نظریه ساختارگرایی تکوینی لوسین گلدمن».

^۱. L.Goldman

رمان از منظر جامعه‌شناختی بررسی می‌شود و به این نتیجه می‌رسد که کلیت آثار برجسته، ساختاری اجتماعی دارد و مهم‌ترین مضامین اجتماعی رمان را گسست نسلی می‌داند که معلول تقابل سنت و تجدد است. راغب، محمد؛ راغب، علی (۱۳۹۸) در مقاله «زایش نخستین رمان فارسی از بطن قهرمان مسئله‌دار» به بررسی رمان سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ و مقایسه آن با سایر آثار هم‌عصر خود می‌پردازند و در می‌یابند که قهرمان مسئله‌دار در نخستین رمان فارسی وجود داشته و بر مبنای نظریه‌های لوکاچ و گلدمن است. آتش بر آب (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «قهرمان چیستایی در جستجوی خویش». رمان قمارباز اثر داستایفسکی را بر اساس نظریه گلدمن بررسی می‌کند و روشن می‌سازد که چگونه قهرمان چیستایی رمان از ارزش‌های اصیل دور می‌شود و پول را به عنوان مرکز توجه و معیاری مهم برای ارزش‌های اصیل می‌داند و ایزانلو (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «قهرمان مسئله‌دار در رمان اللص والکلاب اثر نجیب محفوظ» می‌کوشد قهرمان رمان را بر اساس نظریه لوکاچ و گلدمن بررسی کند. وی در می‌یابد قهرمان مسئله‌دار قربانی شرایط اجتماعی عصر خویش است. همچنین فروزنده، مسعود؛ صادقی، اسماعیل (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی شکاف نسلی به عنوان اصلی واقع‌گرایانه در رمان درازنای شب» به معضل اجتماعی شکاف نسلی می‌پردازند و عواملی که موجب ظهور و بروز شکاف نسلی می‌شود؛ تشریح می‌کنند. حسن زاده، میرعلی؛ علی و رضویان، سید رزاق (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «قهرمان مسئله‌دار در رمان‌های مدیر مدرسه و سوشون» پس از معرفی قهرمانان دو رمان بر اساس نظریه‌های لوکاچ و گلدمن در می‌یابند که رمان‌های ایرانی با همه شباهت‌هایی که در فرم و ساختار با رمان‌های غربی دارند اما از نظر محتوا و درون‌مایه مستقل هستند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود پژوهشی در مورد موضوع مورد تحقیق از منظر جامعه‌شناختی دیده نشده است که در این جستار بدان پرداخته می‌شود. وجه تمایز این نوشتار بررسی شاخصه‌های انسان پروبلماتیک در رمان‌های درازنای شب و کلاغ‌ها و آدم‌هاست و به طور دقیق و عمیق ویژگی‌های انسان پروبلماتیک را بر اساس نظریه گلدمن تشریح می‌کند.

رویکرد نظری

۱. رمان، گونه ادبی همزاد مدرنیته

تأمل جامعه‌شناختی در آثار ادبی در اواخر قرن نوزدهم شروع شد و در قرن بیستم با اندیشه و آرای جرج لوکاچ به نقطه عطف خود رسید. اما اولین پژوهش مربوط به جامعه‌شناسی ادبیات، مادام دواستال^۱ به سال ۱۸۰۰م است و بسیاری هیپولیت تن^۲ را بنیانگذار جامعه‌شناسی ادبیات می‌دانند که به تعامل میان اثر ادبی و جامعه می‌پردازد (زیم، ۱۳۷۷: ۹۷). همین رسالت است که میرصادقی نیز بر آن تأکید می‌کند: «تحلیل رابطه بین شخصیت‌ها و اوضاع و احوال جامعه» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۱۹).

^۱ M. Destall

^۲ H. Taine (1823 – 1893)

جامعه‌شناسی رمان یکی از مهم‌ترین شاخه‌های پژوهشی جامعه‌شناسی ادبیات است که با نظریات لوکاچ و باختین^۱ گره خورده است. لوکاچ نخستین کسی بود که ارزش جامعه‌شناسانه رمان را مطرح کرد و تأثیر عوامل اجتماعی بر اثر ادبی را نشان داد که از این طریق می‌توان به واقعیت‌های جامعه دست یافت.

«پس از دوره رنسانس گرایش به رمان در جهت جایگزین کردن تجربه‌های فردی به جای سنت جمعی به منزله معیار نهایی واقعیت شکل گرفت که این مرحله انتقالی بخش مهمی از پس زمینه طلوع رمان بود». (لاچ و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۹). رمان فارسی در ایران به منزله سبک روایتی خاص از قرن دوازدهم به بعد ظاهر شد و شناخت کامل آن به منزله شکل ادبی تا قرن هجدهم حاصل نشد و در زمان نه چندان دور بر سر زبان‌ها افتاد که وظیفه اصلی آن نقش اجتماعی آن بود. «هگل از نظریه پردازان مشهور مارکسیستی است؛ رمان را حماسه بورژوازی و جانشین عصر قهرمانی می‌داند یعنی دورانی که جامعه از نظر تاریخی هنوز سلطه قدرت‌های اجتماعی در نیامده است پس دوره قهرمان‌گری انسان است و قهرمان نه به معنای شجاعت و توانایی بلکه به معنای نبود تضاد میان فرد و جامعه است» (لوکاچ، ۱۳۸۸: ۴۰۱-۴۰۲).

لوکاچ تعبیر زیبایی از قهرمان رمان دارد، وضعیت قهرمانان در داستان‌ها شبیه به وضعیت زنبوری است که پشت شیشه‌گیر کرده است. او متوجه است بیرون شیشه، جهان ارزش‌های کیفی و جهان آزادی است اما درک نمی‌کند که چیز نامرئی حائل میان او و جهان حقیقی است و آنقدر تقلا می‌کند و بالا و پایین می‌رود که عاقبت شما جسد او را پشت شیشه خواهید دید و متوجه نیست چه سازوکاری مانع دستیابی او به رهایی می‌شود (لوکاچ، ۱۳۸۰: ۱۷۱). شخصیت مسئله‌دار در جامعه‌ای زندگی می‌کند که ارزش‌های کاذب جایگزین ارزش‌های اصیل شده‌اند و ارزش‌های کمی به صورت ارزش‌های کیفی نمایان می‌شوند. در چنین جامعه‌ای که «ملاکش طلاست روح نسبت به خود غریبه می‌شود و هر چیزی در واقع عکس آن است که می‌نماید» (تن، ۱۳۷۱: ۷۱).

بنابراین جامعه‌شناسی ادبیات پیوندی معنا‌دار بین فرم ادبی و اجتماع است و تفسیری انتقادی از واقعیت در متن ادبی عرضه می‌کند و به تحلیل محتوایی اثر و چگونگی ایجاد ساختارهای ذهنی از لحاظ تاریخی می‌پردازد و جامعه‌شناسی رمان، که از یکی از زیر شاخه‌های مهم جامعه‌شناسی ادبیات است؛ قهرمان رمان را فردی مسئله‌دار می‌داند که در تقابل جهان قرار دارد و در تعارض جامعه زندگی می‌کند.

^۱ M.Bakhtin

۲. ساختارگرایی تکوینی

دهه ۱۹۶۰ ورود قاطع ساختارگرایی به نهاد انتقادی ادبی بود که اولین نقد اصلی ساختارگرایی تئوری ادبی پیرماچری و مقاله ژاک دریدا در گفتمان علوم انسانی بود (کانون^۱، ۲۰۱۹: ۱۹). که بعدها گلدمن اندیشه‌های لوکاچ را با ابداع و روش جدیدی به کار برد و آن را روش ساختارگرایی تکوینی نامید که دو ترکیب مارکسیستی و روانشناسی دارد و آن را مکمل نقد ادبی و روش خود دانست که در بخش روانکاوی متأثر از ژان پیاژه بود (کانون^۲، ۱۹۴۴: ۱۴). ساختارگرایی تکوینی نوعی روش کار است که بررسی ساختارها را امری ضروری می‌داند و میان ساختار اجتماعی و اثر ادبی ارتباط برقرار می‌کند و دیدگاه مارکسیستی به ادبیات، موجب ارتباط جامعه و ادبیات در بستر تاریخی و اجتماعی می‌شود. در نظر آنان اثر ادبی به ویژه فرم ادبی رمان، واقعیت را در خود منعکس می‌کند.

گلدمن با گرایش مارکسیستی و ساختار کلی و اندیشه جمعی و تأثیری که این ساختار بر جای می‌گذاشت توجه می‌کرد (ایوتادیه، ۱۳۸۱: ۱۹۵). بر این اساس اثر هنری را یک نفر نمی‌آفریند، بلکه یک طبقه آن را می‌سازد. آفریننده واقعی آثار هنری، طبقات اجتماعی هستند. پس عامل مهم در ساختارگرایی تکوینی، پایگاه اجتماعی نویسنده و گروهی است که او و قهرمان داستان به وی تعلق دارد. در ساختارگرایی تکوینی، از جهان‌بینی مطرح در اثر به جهان‌بینی فرد نویسنده و از جهان‌نگری فرد نویسنده به جهان‌نگری گروه اجتماعی می‌رسیم. ساختارگرایی تکوینی یک روش دیالکتیکی است که از متن به فرد و از فرد به گروه اجتماعی منتقل می‌شود. گلدمن روش خود را ساخت‌گرایی نامید، «ساخت‌گرایی بدین معنا که به بررسی ساختارهای اثر و رابطه آن با ساخت‌های ذهنی می‌پردازد و تکوینی از این لحاظ که علت به‌وجود آمدن این ساختارها را براساس شرایط تاریخی تشریح می‌کرد» (گلدمن، ۱۳۸۱: ۳۱۱). بنابراین اساس کار گلدمن بر تکوین نهاده شده است، زیرا ساختارهای اجتماعی در گذر زمان پیوسته در حال دگرگونی هستند؛ از این رو روش خود را ساخت‌گرایی تکوینی نام نهاد و از این طریق بین ساختار جامعه و ساختارهای متن ادبی، ارتباط متقابل ایجاد کرد و با توجه به آن که عرصه رمان، عرصه تجلی درک و دریافت و شناخت نویسنده از کل جهان هستی است؛ می‌توان به کلیت آن دست یافت، کلیتی که در آن آدمی بیگانه است.

۳. شخصیت پروبلماتیک از دیدگاه گلدمن

قهرمان رمان، شخصیت پروبلماتیک است. قهرمان از آن جهت که در تعارض دنیای درون و بیرون است و شخصیت از آن جهت که معرف فردی خاص است. نویسنده رمان، شخصیت‌های خود را با توجه به اوضاع اجتماعی تعریف می‌کند. «تسلط دنیای سرمایه‌داری بر افراد چنان است که آنان به اشیا بدل می‌شوند و به دنیای منفعل محدود می‌گردند و مناسبات انسانی و نهادها نیز دستخوش

^۱. Bello-kanon

^۲. Cohen

همین تباهی و ارزش‌باختگی می‌شوند که از آن به شی‌ءوارگی^۱، بت‌وارگی یاد می‌شود» (گلدمن، ۱۳۷۹: ۳۱۵). شی‌ءوارگی یا بت‌وارگی از مهم‌ترین تحلیل‌های مارکسیستی است که از نمونه مهم‌ترین نمودهای شی‌ءوارگی، نادیده‌گرفتن ارزش‌های انسانی است. (گلدمن، ۱۳۸۱: ۲۲). گلدمن بر این باور است در جوامعی که شی‌ءوارگی حکمفرماست برخی افراد به دنبال واقعیت هستند در دنیایی که ارزش‌های میانجی و مبادله‌ای جهان گستر پول به ارزش‌های مطلق تبدیل شده‌اند، به شیوه‌ای تباه دنبال ارزش‌های انسانی‌اند و قادر نیستند خود را با وضعیت جهانی که در آن زندگی می‌کنند، مطابقت دهند. از این رو به آنان اشخاص پروبلماتیک گفته می‌شود و در رمان که قالب ادبی نظام سرمایه‌داری است میان قهرمان و جهان، گسستی معنادار دیده می‌شود. او به شکلی بیهوده در جهانی تباه به جستجوی ارزش‌های راستین می‌پردازد؛ «ارزش‌هایی که اگرچه جامعه امکان جستجوی آن‌ها را پیش روی قهرمان می‌نهد اما در عالم واقع امکان حضور آن‌ها را ندارد و لحظه‌ای که قهرمان از بیهودگی و تباهی جستجوی خود، آگاه می‌شود؛ لحظه شکست و مرگ اوست». (ولی پور هفشخانی، ۱۳۸۷: ۱۴۱-۱۴۲). از دیگر ویژگی‌هایی که گلدمن برای شخصیت پروبلماتیک بر می‌شمرد می‌توان به گرایش‌های مصرفی، قرار گرفتن در حاشیه جامعه، پیروی از ارزش‌های کیفی و منتقد و مخالف بودن اشاره کرد (گلدمن، ۱۳۷۱: ۱۷۹).

بنابراین در جوامع سرمایه‌داری ارزش‌های مبادله حاکم است و جایگزینی ارزش‌های کمی به جای ارزش‌های کیفی، موجب تضاد میان شخصیت پروبلماتیک و جامعه می‌شود و کشمکش آرمان‌های او با واقعیت منجر به منزوی شدن او می‌شود و گسست رفع نشدنی میان وی با جامعه او را به انتقاد و مخالفت وا می‌دارد و سرانجام تسلیم و محکوم به شکست می‌شود.

روش پژوهش

این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها به روش کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد و برای شناخت ساخت‌هایی که رمان را در درون خود پرورده‌است باید در چارچوب مشخصی مورد بررسی قرار گیرد که با نظریه گلدمن تحلیل می‌شود زیرا از جامعیت و پویایی بیشتری برخوردار است. ساختارگرایی تکوینی یک شیوه دیالکتیکی است و در استناد به نظریه گلدمن، محوری‌ترین مفهوم، کلیت است که مدام در حال تغییر و تکوین است و خصلتی کارکردی دارد و اجزا و ساختارها در یک کلیت بررسی می‌شود. در این ساختار، شناخت اجزا تابع کل است و درک کل تابع شناخت اجزا و بنا به ارتباط ساختارهای ادبی با ساختارهای اجتماعی، باید هر اثری را در کلیت آن مورد تحلیل قرار داد و ارتباط آن را با ساختار اجتماعی و اقتصادی مشخص نمود. در نظر وی عمل انسانی را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن ساختارهایی که او را به وجود آورده است مورد بررسی قرار داد. این

¹ .reification

پژوهش برآنست که رمان‌های درازنای شب و کلاغها و آدمها را در کلیت آن مورد تحلیل قرار دهد که پس از خلاصه رمانها، شخصیت پرولماتیک را از این منظر مورد واکاوی قرار می‌دهد.

خلاصه رمانها

۱. درازنای شب

رمان درازنای شب، اولین رمان بلند میرصادقی است. رمان اجتماعی که با نگاه انتقادی به مسائل اعتقادی و فرهنگی می‌پردازد و مهم‌ترین موضوع آن گسست و انقطاع نسلی است که به دلیل اختلاف نظر و دیدگاه میان نسل بالغ و نسل جوان موجب شکاف و فاصله افتادن آنها می‌شود. گسست و انقطاع نسلی، محصول نوعی انقطاع فرهنگی و اجتماعی است و منظور از انقطاع فرهنگی و اجتماعی شکل‌گیری شکاف بنیادین فرهنگی و اجتماعی در ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است که در این صورت نسل‌های جامعه در گروه‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوت، از زندگی، آینده و تاریخ خود تفاسیر متفاوت و متضادی دارند و افراد از الگوهای رفتاری متفاوتی پیروی می‌کنند (آزادارمکی، ۱۳۸۶: ۳۲). در این رمان اُفت‌وخیزهای چندانی به چشم نمی‌خورد و به طرح مشکلات اجتماع مانند رویارویی سنت با مدرنیته می‌پردازد. دهه ۴۰ که آستانه ورود مدرنیته است با مخالفت خانواده‌های سنتی روبرو می‌شود که فرهنگ غالب، پدرسالاری و مقاومت در برابر هر گونه تغییرات است. شخصیت اول رمان، جوانی به نام «کمال» است که در یک خانواده سنتی رشد کرده است و تعصبات و سخت‌گیری‌های شدید حاکم بر خانواده موجب انزجار وی از ارزش‌های اجتماعی می‌شود. وی که در واقع شخصیت مسئله‌دار رمان است خود را با خانواده و جامعه در تضاد و تعارض می‌بیند و به دنبال ارزش‌های واقعی و راستین است و چون اهداف خود را معیار با ارزش‌های خانواده و جامعه می‌بیند به مخالفت برمی‌خیزد و از آنجایی که به سازش نمی‌رسد مجبور می‌شود که خانواده را ترک کند و به دنبال آرمان‌ها و ارزش‌های اصیل برود.

۲. کلاغها و آدمها

رمان کلاغها و آدمها، یک رمان سیاسی است و ساختار سیاسی دارد و عصر پهلوی و دستگاه ساواک را به تصویر می‌کشد و انتخاب این نام برای رمان بدان جهت است که از سویی کلاغ، نماد بد شگونی است و خبر از اوضاع آشفته کشور دارد و از طرفی نویسنده، اتحاد کلاغها را با آدمها قیاس می‌کند که کلاغها در هنگام خطر با صدای خود به سوی هم می‌شتابند اما آدمها در هنگام بروز مشکل نه تنها به یاری هم نمی‌شتابند بلکه از یکدیگر دور می‌شوند.

«صدای کلاغی از بیرون آمد و به دنبالش صدای کلاغ‌های دیگر... حتما جان یکی از کلاغها

به خطر افتاده بود. ما از کلاغها هم کمترین، اگر یکی از ما به مخمصه بیفتد، خودمان را

درمی‌بریم» (میرصادقی ۱۳۶۸: ۲۲۳).

«کلاغها قار می‌زند... کلاغها همدیگر را دارند، آدمها، هیچکس را ندارند» (همان: ۲۲۴).

شخصیت اصلی رمان، فردی به نام «آقای محمدی» است که داستان از آنجا شروع می‌شود که شخصی از سوی ساواک به دنبال مهندس عزتی است و مأمور ساواک خود را مأمور مبارزه با مواد مخدر معرفی می‌کند و از آقای محمدی سؤالاتی می‌پرسد و اطلاعاتی در خصوص مهندس عزتی به دست می‌آورد که از آن زمان به بعد «محمدی» مورد بازجویی قرار می‌گیرد. «محمدی» پس از متوجه شدن ماجرا بنا به تعهد انسانی به مهندس عزتی وفادار می‌ماند و شهادت دروغ نمی‌دهد که پس از چندی، به عنوان فردی که علیه امنیت ملی اقدام کرده است؛ محاکمه و راهی زندان می‌شود که پس از آشکار شدن حقیقت از زندان آزاد می‌شود. وی که شخصیتی پروبلماتیک دارد به عنوان فرد معترض در مقابل ساواک به انتقاد می‌پردازد و در جامعه تباه به جستجوی ارزش‌های تباه شده می‌رود که به نتیجه‌ای نمی‌رسد و منزوی و تسلیم می‌شود.

یافته‌ها

۱. شاخصه‌های شخصیت پروبلماتیک در رمان‌ها

شخصیت پروبلماتیک، قهرمان است. قهرمان نه بدان معنا که دارای شکوه و جلوه خاصی است و به کارهای عجیب و خارق‌العاده دست بزند آن گونه که در داستان‌های حماسی از آن یاد می‌شود. قهرمان از آن جهت که به دنبال فضائل و ارزش‌های واقعی و راستین باشد. وی در احیای ارزش‌های راستین تلاش می‌کند و در صدد تغییر وضعیت موجود است که سرانجام جامعه، سرنوشت او را تعیین می‌کند و به حاشیه رانده می‌شود و به شکست محکوم می‌شود (لوکاچ، ۱۳۸۰: ۲۸۰).

با توجه به آن که هر اثر برجسته ادبی از ساختار اجتماعی گرفته شده است و هر چه قدر معیار اجتماعی اثر پایین‌تر باشد صرفاً جنبه سرگرمی دارد و خوانندگان تحصیل‌کرده توقع دارند که رمان به بررسی مسائل اجتماعی و سیاسی بپردازد (زرافا، ۱۳۸۶: ۲۸۰). هر اثر ادبی که از ساختار اجتماعی برخوردار باشد؛ ساخت‌هایی چون اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دارد که بنا به پرداختن نویسنده به هر یک از ساختارها، رمان از آن جنبه، برخوردار می‌شود که در رمان «درازای شب» از ساختار اقتصادی و فرهنگی برخوردار است اما رمان «کلاغ‌ها و آدم‌ها» ساختاری سیاسی دارد که به تفکیک، به تحلیل هریک از آن‌ها پرداخته می‌شود.

۲. فردیت قهرمان

گلدمن معتقد است پیدایش نظام سرمایه‌داری موجب حذف فرد و زندگی فردی می‌شود که این موجب تعارض فرد با جهان و هستی می‌شود و جهان رمان را جهانی سراسر تناقض می‌داند که با جهان پیرامون خود بیگانه و ناسازگار است حال آن که جهان حماسه همه چیز در هماهنگی با یکدیگر قرار دارد (گلدمن، ۱۳۸۱: ۴۵). فردیت انسان، اساساً زمانی رخ می‌دهد که بین انسان و جهان شکاف و فاصله‌ای ایجاد می‌شود و میان او و ارزش‌های موجود تضاد و تعارض به وجود می‌آید و بزرگی او در

همین است. اما در حماسه بر وحدت بین انسان و جهان تأکید دارد و هیچ‌گونه تضادی میان او با جهان وجود ندارد (فین برگ، ۱۳۷۵: ۳۸۵).

دهه ۴۰ مقارن با ظهور مدرنیته و گسترش شهرنشینی بود که در ذات خود نوعی تعارض و دوگانگی دارد. اگرچه به فرد آزادی می‌دهد اما او را تحت استیلای نظام سرمایه‌داری قرار می‌دهد و شی‌ءوارگی بر جهان فردی، سیطره می‌یابد و این تعارض اساسی مدرنیته است. مدرنیته، مهم‌ترین موضوع در عرصه عمل و اندیشه انسانی در قرن‌های اخیر است. مدرنیته یعنی مدرن بودن که شیوه زندگی امروزی و جدید همراه با تخریب مداوم سنت‌ها و باورهای کهنه‌ای که با شیوه زندگی همراه شده است و میان مدرنیته و مدرنیسم تفاوت وجود دارد. مدرنیته در معنای کلی به معنی نوسازی، پیشرفت و توسعه است. نوعی ایدئولوژی که در پی جایگزین کردن نو به جای کهنه است. مدرنیسم اعراض و نمود بیرونی تفکر مدرن است. به بیانی دقیق‌تر، مدرنیسم شکل بیرونی مدرنیته و مدرنیته هویت و روح مدرنیسم است و تجددگرایی در مقابل سنت است. (جابری‌مقدم، ۱۳۸۴: ۲۵).

در هر دو رمان، قهرمان، فردیت دارد اما در دو شکل و ساختار متفاوت. در رمان *درازنای شب* در بافت فرهنگی و اقتصادی و در رمان *کلاغ‌ها و آدم‌ها* در ساختار سیاسی که جهت کلی دو رمان به سوی تغییر و اصلاح وضع موجود است. قهرمان در هر دو رمان با دارا بودن شخصیت فردی و هویت مشخص در جامعه با موانعی روبرو می‌شوند. آن‌ها از افراد عادی و معمولی جامعه هستند نه افراد خاص و برگزیده و هر یک نماینده گروه خاصی از جامعه می‌باشند و فقر فرهنگی و اقتصادی بر قهرمان رمان، اجازه نمی‌دهد که از حد افراد عادی فراتر رود و بر شی‌ءوارگی خود چیره شود و فرصتی برای اندیشیدن به مفاهیم متعالی داشته باشد. او همواره مسئله و مشکلی برای اندیشیدن دارد و دیگرگونه‌بودن دغدغه ذهن اوست که تنها راه بهبود شرایط زندگی را در مبارزه می‌داند. شجاعت و جسارت وی در جستجوی جامعه تباه، بیهوده است و منجر به شکست می‌شود و بین قهرمان و جهان کلیت و ارزش‌های کیفی، جدایی ایجاد می‌شود. در نهایت قهرمان، سرنوشتی تباه دارد و ساختار جامعه مانع می‌شود که بتواند به ارزش‌های کیفی دست یابد.

در *درازنای شب* قهرمان مسئله‌دار «کمال» است که نماینده خیل وسیعی از جوانان دهه ۴۰ است که از طبقه سنتی و متوسط جامعه است. طبقه متوسط، بعداز مشروطیت و به قدرت رسیدن رضا خان شش طبقه اصلی به وجود آمد و به دو طبقه متوسط قدیم و جدید تقسیم می‌شد طبقه متوسط قدیم شامل تجار متوسط، صنعتگران، پیشه‌وران، روحانیون و خرده مالکان و طبقه متوسط جدید شامل کارمندان، متخصصان، فارغ التحصیلان خارج از کشور فارغ التحصیلان مدارس عالی که به سبک غربی در ایران از مشروطیت به بعد ایجاد شده بود. (ربانی و انصاری، ۱۳۸۵: ۱۵۴). خانواده کمال که از طبقه متوسط قدیم است در مواجهه با مظاهر مدرنیته با هرگونه تغییر، مخالف است و در برابر آن مقاومت می‌کند.

میرصادقی در رویارویی تجدد و سنت‌گرایی، وزنه تجدد را سنگین‌تر می‌داند و به نظر می‌رسد حق را تا حدی به نسل جوان می‌دهد چرا که هر کسی فرزند زمان خویش است و مطابق تغییرات و تحولات روز رفتار می‌کند و همان گونه که فرزندان نمی‌توانند مانند والدین فکر کنند؛ والدین نیز نمی‌توانند مانند فرزندان باشند. کمال، شخصیت محوری رمان بین سنت و مدرنیته دچار آشفتگی می‌شود اما در میان ناشناخته‌ها، احساس لذت می‌کند هرچند برای او دلهره‌آور است موجب تضاد او با وضع موجود می‌شود و فردیت او در همین جاست. وی میان خود و ارزش‌های جامعه فاصله می‌بیند و در صدد شناخت خود با دنیای بیرون است اما شباهتی نمی‌یابد و در میان همه ابهامات احساس سرگردانی می‌کند.

«جلوی آینه قدی اتاقش ایستاده بود و به خودش نگاه کرد... قیافه‌اش حالت تازه‌ای به خود گرفته بود که به طور مبهم، شباهتی را به یاد می‌آورد... بی‌نظمی ناشناخته‌ای بر همه وجودش دست انداخته بود. کمال در این بی‌نظمی احساس لذت و گم‌گشتگی می‌کرد (میرصادقی ۱۳۴۹: ۶۶-۶۷).

در *کلاغ‌ها و آدم‌ها* قهرمان مسئله‌دار، «آقای محمدی» است. نماینده طبقه متوسط و کارمند معمولی دولت است. وی به ظن و گمان ساواک دستگیر و شکنجه می‌شود و در پی بازجویی‌های مکرر، راضی به شهادت دروغ علیه مهندس عزتی نمی‌شود و پابندی او به ارزش‌های انسانی در مقابل ارزش‌های حاکم، فردیت او را مشخص می‌کند.

«چرا برای آدم پرونده درست میکنین. به خدا من هیچ کاره‌ام» (میرصادقی، ۱۳۶۸: ۲۱۴). «من فقط یک کارمند عادی دولتم. سرم به کار خودم گرمه» (همان: ۲۱). [مامور ساواک]: «بنویس، مهندس عزتی و زنش علیه مصالح عالیه مملکت و حکومت مشروطه سلطنتی فعالیت خرابکارانه داشتند و من عمل آنان را تقبیح می‌کنم» (همان: ۱۱۴). «می‌خوان من براشون خبرچینی کنم، گزارش مردمو بهشون بدم، آدم فروشی کنم. من سر سفره بابام بزرگ شدم و این کارها ازم برنمیاد» (همان: ۱۴۶).

بنابراین قهرمان مسئله‌دار، فرد است نه جامعه. فردی که نماینده یک گروه اجتماعی است و مانند قهرمان حماسه، نیروهای ماورایی به کمک او نمی‌آیند تا به پیروزی برسد. او خود را در مقابل ارزش‌های تباه‌شده، یگانه و تنها می‌بیند و برای رسیدن به ارزش‌های اصیل به نبرد برمی‌خیزد که سرانجامی برای او در پی ندارد و همواره بین او با جامعه شکاف رفع‌نشده وجود است.

۳. پیروی از ارزش‌های اصیل و راستین

قهرمان مسئله‌دار جوایز ارزش‌های کیفی و اصیل انسانی است و منظور از «ارزش‌های راستین، ارزش‌هایی نیست که منتقد یا خواننده آن‌ها را راستین بداند بلکه ارزش‌هایی که مجموعه دنیای رمان را به طور ضمنی سامان دهد» (گلدمن، ۱۳۷۹: ۳۰). قهرمان برای رسیدن به ارزش‌ها، آگاهانه به نبرد می‌پردازد و برای تغییر وضعیت موجود از هیچ کوششی دریغ نمی‌کند که براساس نظریه گلدمن این

نبرد البته بیهوده و بی‌فایده است و رسیدن به ارزش‌های اصیل ممکن پذیر نیست و سرانجام این نبرد با شکست قهرمان به پایان می‌پذیرد «قهرمان در رمان، وجودی دوپاره میان آگاهی والا و آگاهی پست دارد» (هیپولیت تن، ۱۳۷۱: ۶۱).

در جامعه سرمایه داری که ساختار مبادله حکفرماست شیء، جای فرد را می‌گیرد این امر به عنوان نظریه شیء‌وارگی شناخته شده است که قهرمان مسئله‌دار با پی بردن به این امر بر شیء‌وارگی خود چیره می‌شود و به دنبال ارزش‌های واقعی می‌رود نه ارزش‌های کاذب و از آنجایی که فرد، ممکن است تحت تأثیر آگاهی کاذب قرارگیرد قهرمان رمان نیز از این امر مستثنی نیست و نویسنده سیر رشد قهرمان را از آگاهی کاذب به آگاهی ممکن در بستر حوادث به خوبی نشان می‌دهد (گلدمن، ۱۳۷۹: ۳۹۴).

در *درازنای شب*، کمال که قهرمان رمان محسوب می‌شود متأثر از بینش و افکار پدر در جریان باورهای دینی و آیین‌های مذهب درمی‌یابد که ارزش‌های کاذب جایگزین ارزش‌های اصیل شده‌اند که در تضاد و تقابل آموخته‌های پیشین است. در واقع مصلحت‌جویی فردی، موجب تعارض ارزش‌ها و جدال درونی در انتخاب ارزش‌های واقعی می‌شود. شخصیت پروبلماتیک اگرچه زمانی سردرگم و سرگردان در جستجوی ارزش‌های اصیل بر می‌آید که از آن آگاهی ندارد اما سرانجام با هویت جدید و پشت پا زدن به هنجارهای غیرواقعی نقطه عطفی در زندگی او رخ می‌دهد و سرانجام برای او اما و اگرهای بی جواب باقی می‌ماند اما باب تازه‌ای به روی او گشوده می‌شود و مصمم‌تر از گذشته به راه خود ادامه می‌دهد و به آگاهی ممکن می‌رسد.

«ذهن کمال باز آشفته بود... پدرش و حاج عمو هر سال روضه‌خوانی راه می‌انداختند. از خودش پرسید یعنی آنها مصلحتی در کارشان است؟ یعنی محضالله نیست؟ یعنی آن‌ها هم...؟ مذهب را وسیله کرده‌اند. لرزشی به وجودش افتاده بود. حالت کسی را داشت که ناگاه در خود احساس فروریختگی بکند (میرصادقی ۱۳۴۹: ۱۲۰-۱۲۱). «مذهب فقط روی قضیه است. پایه-اش بر اقتصاد است. مذهب اغلب وسیله‌ای است برای تخدیر و عقب نگاه داشتن مردم» (همان: ۱۲۹).

در *کلاغ‌ها و آدم‌ها* نویسنده با طرح ساختار سیاسی رمان به شیوه برخورد نیروهای امنیتی (ساواک) با زندانیان سیاسی تأکید دارد؛ که می‌توان به وضعیت سیاسی آن عصر پی برد که بر واقعی بودن رمان نیز تأکید دارد. آنچه موجب واقعی شدن داستان شده است؛ سیر حوادث در گذر زمان و مکان است که ریمون کنان^۱ در این باره می‌گوید: «زمان و مکان از عوامل فعال در داستان است که موجب رشد شخصیت‌ها و بیانگر شرایط روحی و ذهنی آنهاست» (ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۹۳). شخصیت اول رمان در برابر ظلم‌ستیزی و وجود شکاف میان ارزش‌ها و آرمان‌ها با ارزش‌های کاذب، تمام تلاش خود را در جهت تغییر وضع موجود به کار می‌بندد و علت موفق نشدن و به نتیجه نرسیدن او همان

¹Rimoon kanan

است که پیش‌تر متذکر شدیم که جامعه، سرنوشت وی را مشخص می‌کند نه خود وی. آقای محمدی، قهرمان رمان، در پی بازجویی‌های مکرر بازداشت می‌شود و در زندان با هم‌سلولی خود از وضع موجود اظهار نارضایتی می‌کند و برای رسیدن به ارزش‌های تباہ شده؛ تلاش می‌کند و به دنبال تغییر و اصلاح است. او اگرچه به خاطر پیروی از ارزش‌های واقعی به زندان می‌افتد و مطرود و منفور جامعه عصر است اما از مقام والای انسانی برخوردار است.

«درست نیست که آدم بترسه و دست از پا خطا نکند و همین‌طور بشیند و هر کاری حکومت می‌کند، تماشا کند و برای همین. باید کاری کرد. نمی‌شه آدم سرشو بکند زیر برف، ساکت بمونه ... آدم فکرش به کار می‌افته و خودش زیرو رو می‌شه و سعی میکنه حیثیت انسانی خودش رو حفظ کنه. اگه نتونه حیثیت انسانی‌شو حفظ کنه. چی؟ میتونه بمیره» (میرصادقی، ۱۳۶۸: ۲۳۰).

محمدی در شرایط دشوار زندگی، درمی‌یابد که باید امیدوار باشد. حتی در زندان که شب و روز یکسانی دارد او به جای ضجرت و بی‌تابی به روزهای خوب آینده فکر می‌کند تا بستری فراهم شود برای رسیدن به ارزش‌های واقعی.

«آدم زندانی آسمانش هم زندانی است ... اینجا روزها و شب‌هایش مثل همنده، فرقی با هم ندارد. انگار روزها را به قد و قواره هم بریده‌اند و توی آن دلشوره و دلتنگی چپانده‌اند... [محمدی] به زندگی زندان عادت کرده بود و یاد گرفته بود که به چه فکر کند و به چه فکر نکند. فکر کردن به آزادی، نه. فکر کردن به روزهای خوب آینده، آره» (همان، ۲۴۰).

۴. مخالف و درحاشیه بودن

انسان مسئله‌دار با پیروی از ارزش‌های کیفی و ارزش‌های اصیل انسانی، منتقد و مخالف جامعه است و به همین دلیل در حاشیه جامعه قرار می‌گیرد (گلدمن، ۱۳۷۱: ۶۰). لوکاچ در این باره می‌گوید: «وقتی تماس جهان خارجی با ایده‌های فرد قطع شده و غیرقابل تحقق می‌گردند، ایده‌های او به ایده‌آل‌هایی تغییر می‌کنند و توانایی تحقق آنها را ندارد؛ بنابراین خود فرد به هدف خودش تبدیل می‌شود تا زندگی‌اش را به یک زندگی راستین تبدیل کند» (لوکاچ، ۱۳۸۰: ۷۰). مهم‌ترین مؤلفه در سرنوشت فرد، خانواده است که آنچه موجب بحران هویت و سرخوردگی و در نهایت انزوای کمال می‌شود؛ شکاف نسلی است که در اثر تقابل سنت و مدرنیته به وجود آمده است در رمان **درازای شب** کمال سعی می‌کند خانواده را با خود همراه و همسو کند اما آنان به او پشت می‌کنند. وی به انتقاد و مخالفت برمی‌خیزد که نتیجه‌ای در پی ندارد و موجب تنهایی او می‌شود. کمال به دنبال هدف خویش می‌رود تا به ارزش‌های راستین برسد. «کمال نمی‌خواست در شکل و شیوه زندگی دنبال روی پدران خود باشد و در نتیجه رو در روی آن‌ها ایستاد و سرانجام خسته از بحرانی که حاصل این کشاکش و رویارویی بود؛ به ناچار از خانواده خود جدا شد تا خود راه زندگی را بیابد» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۲۹).

[کمال] «اغلب روزها را، در یک نوع سردرگمی و سرگشتگی به سر می‌آورد و خود را بی‌کس تر و تنهاتر از هر زمان دیگر می‌دید. دیگر هیچ چیز علاقه‌ او را به خود جلب نمی‌کرد و او را به خانه و خانواده‌اش نمی‌بست» (میرصادقی، ۱۳۴۹: ۱۱۵). «مادرش نمی‌توانست واقعیت را به همان صورتی که برای او مطرح بود، تحمل کند... هر چیز تازه‌ای که در کمال می‌دید، مایه دلواپسی او می‌شد. هر چیزی را که نمی‌توانست بفهمد، او را نگران می‌کرد» (همان: ۲۱۹)

در کلاغها و آدمها میرصادقی تلاش کرده است تا مخاطب را در مواجهه با فضای حاکم سیاسی قرار دهد و به نقش‌بیداری اذهان خفته مردم تأکید دارد که در استقلال‌طلبی و هویت‌بخشی آنان مؤثر است. واکنش و گفتگوی شخصیت اول رمان در مخالفت و انتقاد از سیاست‌های حاکمه‌گویی این مدعاست.

[محمدی]: «زورکی همیشه مردم را راه‌انداخت. مردم باید خودشون بخوان، خودشون راه بیفتن، اصل، خواست اون‌هاست... همیشه از این بی‌عدالتی‌ها بوده و هست.» (میرصادقی، ۱۳۶۸: ۴۴-۴۵).

محمدی پس از انتقاد کردن و مخالفت کردن راه به جایی نمی‌برد و به حاشیه‌رانده می‌شود و مهاجرت کردن و رفتن به خارج از کشور را بر ماندن ترجیح می‌دهد. [محمدی]: «کاش می‌شد مهاجرت کرد و از این مملکت رفت، جایی که بشود راحت زندگی کرد و از این دردسرها نداشتته باشی، تو خانوات نریزند و اسلحه به رویت نکشند و آدم را قربانی نکنند» (همان: ۶۳).

۵. ایجاد تغییر و دگرگونی

تغییر و دگرگونی یکی از شاخصه‌های مهم شخصیت پروبلماتیکی است که قهرمان برای رهایی از وضع موجود تلاش می‌کند و به نبرد می‌پردازد و به دنبال احیای ارزش‌های فراموش شده جامعه است. آگاهی قهرمان از محدودیت‌های جامعه فراتر می‌رود که در این حالت نمی‌تواند با قواعد و قوانین جامعه سازگار شود و برای تغییر وضع موجود تلاش می‌کند (گلدمن، ۱۳۸۱: ۷۳). لوکاچ بر این باور است که «قهرمان پروبلماتیک در رمان‌های رئالیستی انتقادی و سوسیالیستی، عملکردی متفاوت از شخصیت‌های دیگر دارد او از محیط خویش جلوتر است و برای رسیدن به وضع اجتماعی تازه‌ای تلاش می‌کند. با وضع موجود در نبرد است و برای تغییر آن می‌کوشد (لوکاچ، ۱۳۸۵: ۶۲).

در درازنای شب کمال، شخصیت پروبلماتیک به بلوغ فکری می‌رسد و نسبت به بسیاری از مسائل و رویدادهای اجتماعی متأثر می‌شود. او علیرغم سرخوردگی خانوادگی و اجتماعی در جستجوی تغییر و دگرگونی است و در مواجهه با تضاد و تعارض جامعه دچار سردرگمی و آشفتگی می‌شود. آن چه ارزش است ضد ارزش محسوب می‌شود و آن چه اهمیتی ندارد ارزشمند تلقی می‌شود و در این صورت بین خویشتن مسئله‌دار و جامعه تباها فاصله می‌گیرد و برای این که بر بحران واقعی فائق آید؛ در جهت

تغییر و دگرگونی قرار می‌گیرد و او را در هاله‌ای از ابهامات قرار می‌دهد که پس از رسیدن به شناخت و آگاهی، راه خود را از خانواده جدا می‌کند و در دفاع از ارزش‌های اصیل، تلاش می‌کند. [کمال]: «وقتی نمی‌توانیم عوضشان بکنیم، باید خودمان را از آنها جدا کنیم و باید کناره بگیریم.» (میرصادقی، ۱۳۴۹: ۷۰). [کمال] می‌کوشید آنچه نمی‌داند یاد بگیرد و به سراغ همان چیزهایی برود که در گذشته با بیزاری کنار زده بود... و زندگی خود را بر اساس درک و اشتیاق تازه‌اش بسازد (همان: ۸۱).

در *کلاغها و آدمها* همین شخصیت را به گونه دیگر می‌بینیم. میرصادقی دورانی را به تصویر می‌کشد که استبداد و خفقان از جانب حکومت و ساواک بر مردم تحمیل شده بود قهرمان رمان با آگاهی دادن به مردم سعی در دستیابی به حقوق تضييع شده آنان دارد که در رمان، اکثر شخصیت‌ها افراد معترض و پروبلماتیک هستند که در رأس آنها، آقای محمدی است و رشد قهرمان را در داستان می‌توان نظاره کرد. آقای محمدی پس از آگاهی، به اعتراض برمی‌خیزد و آن‌گاه در صدد تغییر و اصلاح بر می‌آید و چون به نتیجه نمی‌رسد تسلیم می‌شود که اگر چه با تسلیم شدن؛ منزوی می‌شود اما متوقف نمی‌گردد وی که بر اساس ظن و گمان ساواک مورد بازجویی قرار می‌گیرد راهی زندان می‌شود و برای اعتراف گرفتن او متوسل به شکنجه می‌شوند که ابتدا اگر چه در مقابل ساواک نرمش نشان می‌دهد اما در ادامه در برابر آنها مقاومت می‌کند و حتی متوسل به زد و خورد می‌شود و نویسنده سیر رشد قهرمان را این‌گونه شرح می‌دهد.

[محمدی]: «اجازه بفرمایین، من هنوز نمی‌دونم که برای چه ازم بازخواست می‌کنین و به چه اتهامی» (میرصادقی، ۱۳۶۸: ۱۹۰). «محمدی با عصبانیت گفت: نمی‌فهمم ... من نباید بدونم که برای چی منو اینجا خواستن؟» (همان: ۱۹۱). «من اهل سیاست نیستم من یک آدم معمولی هستم باور کنید که دروغ نمی‌گویم.» (همان: ۲۰۲). [محمدی]: «او را [محمدی] با مشت و لگد می‌زدند و دیگر نمی‌توانست خواری و ذلیلی را تحمل کند. تکانی به خود داد و با آنها گلاویز شد یکی را با لگد انداخت و دیگری را با مشت زد» (همان: ۲۳۱).

۶. تباهی ارزش‌های راستین و سرنوشت قهرمان

قهرمان که جوایب ارزش‌های مطلق است هنگامی که به پوچی جستجوی تباه خود در گذشته پی می‌برد، در برابر خود چشم اندازی نمی‌بیند و لحظه‌ای فرا می‌رسد که نویسنده برای این واقعیت، «قهرمان خود را به سوی مرگ می‌کشانند» (گلدمن، ۱۳۸۱: ۵۸). در جامعه‌ای که ارزش‌های کمی‌جایگزین ارزش‌های کیفی می‌شود؛ روابط انسانی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و روابط بر اساس منفعت شخصی تعیین می‌گردد که اگر منفعتی باشد همراهی می‌کنند و اگر نباشد نه تنها با او همراه نمی‌شوند بلکه به مقابله نیز برمی‌خیزند. کمال هر چه تلاش می‌کند نمی‌تواند به ارزش‌های راستین دست یابد زیرا این ارزش‌ها تباه شده‌اند و از جامعه رخت برپسته‌اند. لذا قادر نیست خانواده را از حقوق خود آگاه سازد و فقط دوستش محمود است که به عمق درد و رنج وی پی می‌برد چرا که او نیز قربانی

همین وضعیت است و مانند کمال از طبقه سنتی و متوسط است. کمال با مشکلاتی که مواجه است احساس بیهودگی و نگرانی می‌کند سرانجام تسلیم می‌شود و تسلیم چیزی جز مرگ نیست. در رمان، شخصیت‌ها قهرمانانی هستند که «با مرگ خود ثابت می‌کنند جامعه شر است یا آن که هنوز فاصله زیادی تا خیر شدن دارد» (زرافا، ۱۳۸۶: ۸۰).

«کمال» تکیه به درختی زده بود و احساس می‌کرد که همه چیز را از دست داده است. صبح و ظهر دردناکی را به دنبال شبی آشفته و درهم‌گذرانده بود. شبی که سراسر آن با نزاعی درونی گذشته بود و حالا که از این نزاع برمی‌گشت نوعی حالت تسلیم در خود می‌دید. هیجان‌هایش فرونشسته بود. سوداهایش به خواب رفته بود» (میرصادقی، ۱۳۴۹: ۱۶۲).

در کلاغها و آدمها، میرصادقی در انتقاد از اوضاع جامعه و سیاست‌های پهلوی دوم، شخصیت‌های خود را با توجه به اوضاع موجود تعریف می‌کند و قهرمان رمان در جامعه تباہ در برابر ارزش‌های کاذب، تسلیم می‌شود و لحظه‌ای که به آگاهی می‌رسد؛ به دنبال ارزش‌های اصیل و راستین می‌رود و چون جستجوی او حاصلی در بر ندارد با جهان تباہ یگانه می‌شود.

محمدی پس از بازجویی‌های مکرر و شکنجه از سوی ساواک طبق خواسته آن‌ها عمل می‌کند و با اعتراف خود؛ اقرار به تباہی جامعه می‌کند و در می‌یابد که نمی‌تواند از ارزش‌های راستین دفاع کند او اگر چه تلاش می‌کند اما محکوم به شکست می‌شود و راهی جز تسلیم ندارد وی دست از تلاش برمی‌دارد و به ناچار با جامعه تباہ همراه می‌شود و علیه مهندس عزتی، شهادت دروغ می‌دهد و احساس پوچی می‌کند و همه چیز را بی‌حرکت و مرده می‌انگارد که در این حالت «مرگ لحظه نمادین و بیانگر آگاه شدن قهرمان از بیهودگی امیدهای بر باد رفته است» (فراروتی، ۱۳۸۶: ۲۵۲).

«محمدی دراز می‌کشید و به فکر فرو می‌رفت. امروز چه روزی است؟ روزی در کار نیست، شبی در کار نیست. روزها و شب‌ها با هم قاطی شده‌اند ... هیچ چیز تکان نمی‌خورد، هیچ چیز تغییر نمی‌کند، همه جا ساکت است همه چیز انگار مرده» (میرصادقی، ۱۳۶۸: ۲۴۰). «بر طبق مندرجات ضبط در پرونده شما اقرار کرده‌اید که مهندس عزتی و زنش علیه مصالح مملکت فعالیت خرابکارانه داشته‌اند ... اینجا با خط خودت نوشتی و امضا کردی ...» (همان: ۲۰۳).

نتیجه‌گیری

در جامعه سرمایه‌داری روابط انسانی تحت تأثیر ارزش‌های مصرفی و مبادله‌ای است در این حالت، پول (شیء) جای ارزش‌های انسانی را می‌گیرد؛ در چنین شرایطی عده‌ای ارزش‌های انسانی را بر ارزش‌های مصرفی ترجیح می‌دهند که به وی شخصیت پروبلماتیک (فرد مسئله‌دار) گویند. این نظریه ابتدا در اندیشه‌های لوکاچ و سپس لوسین گلدمن پدیدار شد. از نظر گلدمن، قهرمان رمان، فردی است که علیرغم این‌که با مشکلاتی مواجه می‌شود به جنگ مشکلات می‌رود و در دفاع از ارزش‌های اصیل، برمی‌آید.

قهرمان در *درازنای شب* «کمال» است که آرمان‌ها و خواسته‌های خود را در تضاد با خانواده و اجتماع می‌بیند. در این رمان، میرصادقی جامعه‌ای را به تصویر می‌کشد که قهرمان مسئله‌دار، اسیر تباہی ارزش‌های کاذب است و برای رسیدن به ارزش‌های اصیل در آشفتگی درون خود، سرگردان می‌ماند که سرانجام واقعیت را مطابق خواست و آرمان‌های شناخته شده؛ می‌یابد و به احیای آن‌ها می‌پردازد. اما از آنجایی که توان تغییر ارزش‌ها را ندارد؛ نمی‌تواند ارزش‌های اصیل را جایگزین ارزش‌های کاذب کند؛ به تخیل و خیال پردازی مشغول می‌شود و در ظاهر اگرچه به نتیجه نمی‌رسد اما در واقع به ارزش‌های اصیل، وفادار می‌ماند.

شخصیت پروبلماتیک در رمان *کلاغ‌ها و آدم‌ها* به گونه‌ای مشابه دیده می‌شود. میرصادقی شاهد روزگاری بود که استبداد و خفقان رژیم پهلوی در همه جا حکمفرما بود و آزادیخواهان در بند و تحت شکنجه و توده مردم در جهل و فقر غوطه‌ور بودند در این رمان اکثر شخصیت‌های رمان، فرد مسئله‌دار محسوب می‌شوند که در رأس آن‌ها «آقای محمدی» است. وی که نماینده طبقه متوسط جامعه است مورد ظن و گمان ساواک قرار می‌گیرد که در پی بازجویی‌ها و شکنجه‌های مکرر، حاضر به شهادت دروغ و زیر پا نهادن ارزش‌های انسانی نیست. در هر دو رمان، شخصیت‌های اصلی، خود نویسنده است که در رمان «درازنای شب» کمال، همان جمال نویسنده است که دوران نوجوانی خود را به تصویر کشیده است و نماینده خیل عظیمی از جوانان دهه ۴۰ است و در رمان *کلاغ‌ها و آدم‌ها* نویسنده با توجه به ایدئولوژی خود، طرفدار طبقه تحت سلطه است که آقای محمدی، در واقع نمادی از این طبقه است و در دفاع از این طبقه بر می‌خیزد. شیوه برخورد نویسنده با فضای سیاسی، برخوردی انتقادی است که به احیای حس وطن‌پرستی و بیگانه‌ستیزی می‌پردازد و با توجه به ایدئولوژی طبقه‌ای که نویسنده در آن قرار دارد؛ می‌توان به موقعیت طبقاتی وی پی‌برد که نویسنده از طبقه سنتی و متوسط جامعه است.

در مجموع ویژگی‌های شخصیت پروبلماتیک در هر دو رمان، تضاد و تعارض میان آرمان‌ها و جامعه است که موجب فردیت آن‌ها می‌شود آن‌گاه در جامعه تباہ، به جستجوی ارزش‌های اصیل و انسانی می‌روند و برای رسیدن به هدف، دست به تغییر و دگرگونی می‌زنند و در برابر ارزش‌های کاذب به مخالفت برمی‌خیزند چون به سازگاری نمی‌رسند جامعه آنان را به حاشیه می‌برند که پس از آگاهی از بیهودگی جستجوی، قربانی جامعه می‌شوند و در می‌یابند که فاصله زیادی برای رسیدن به هدف دارند و لحظه مرگ آن‌ها از همین جاست و سرانجام با جهان تباہ، یگانه و محکوم به شکست می‌شوند اما به ارزش‌های راستین وفادار می‌مانند.

منابع

- آتش‌برآب، حمیدرضا. (۱۳۹۵). قهرمان چیستایی در جستجوی خویش، مجله نقد و زبان ادبیات خارجی، ۱۷: ۲۸-۱۵.
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۶). فرآیند تغییر نسلی بررسی فرا تحلیل در ایران، فصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، ۱: ۶۸-۴۱.
- ایزانلو، امید. (۱۳۹۵). قهرمان مسئله‌دار در رمان اللص الکلاب اثر مجیب محفوظ، نشریه الجمعیه العلمیه الایرانیه الغه‌العربیة وآداب‌ها، ۴۱: ۱۹۶-۱۷۷.
- ایوتادیه، ژان. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی ادبیات و بنیان‌گذاران آن، ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران: چاپ اول، نشر چشمه.
- جابری‌مقدم، مرتضی‌هادی. (۱۳۸۴). شهر و مدرنیته، تهران: چاپ اول، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسن زاده‌میرعلی، علی و رضویان، سیدرزاق. (۱۳۹۰). قهرمان مسئله‌دار در رمان‌های مدیر مدرسه و سوشون، مجله و زبان و ادب فارسی، ۵(۱): ۱۴۶-۱۲۵.
- راغب، محمد و راغب، علی. (۱۳۹۸). زایش نخستین رمان فارسی از بطن قهرمان مساله‌دار، مجله ادبیات پارسی معاصر، ۲: ۱۵۴-۱۲۵.
- ربانی، رسول و انصاری، ابراهیم. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی، اصفهان: چاپ اول، انتشارات سمت.
- ریمون کنان، شلومیت. (۱۳۸۷). روایت داستانی، ترجمه ابوالفضل حری، تهران: چاپ اول: انتشارات نیلوفر.
- زرافا، میشل. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی ادبیات داستانی (رمان و واقعیت اجتماعی)، ترجمه نسرین پروینی، تهران: چاپ اول، انتشارات سخن.
- زیما، پیرو. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی رمان از دیدگاه یانوات، لوکاج، ماشری، گلدمن، باختین، درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات، ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران: چاپ اول: نشر نقش جهان.
- فراروتی، فرانکو. (۱۳۸۶). لوکاج، گلدمن و جامعه‌شناسی رمان، ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران: نشر چشمه.
- فروزنده، مسعود؛ صادقی، اسماعیل و توکل، لیلا. (۱۳۹۱). بررسی شکاف نسلی به عنوان اصلی واقع‌گرایانه در رمان درازنای شب، بوستان ادب، ۴(۳): ۱۱۵-۱۳۲.
- فین برگ، آدرنو. (۱۳۷۵). رمان و جهان مدرن، ترجمه فضل‌الله پاکزاد، ارغنون، ۱۱(۱۲): ۳۹۵-۳۷۵.
- گلدمن، لوسین. (۱۳۷۱). جامعه، فرهنگ، ادبیات، ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران: چاپ سوم، نشر چشمه.
- (۱۳۷۹). نقد تکوینی، ترجمه محمدتقی غیائی، تهران: چاپ اول، نشر بزرگمهر.

- (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی رمان (دفاع از جامعه‌شناسی رمان)* ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: چاپ اول، نشر چشمه.
- گلیاری، پریسا؛ برزویی، رضا؛ قوامی، بدریه و ادهمی، جمال. (۱۴۰۰) تحلیل رمان درازنای شب بر اساس نظریه ساختارگرایی تکوینی لوسین گلدمن، *پژوهشنامه ادبیات داستانی*، ۱۰(۲): ۹۷-۷۷.
- لاج دیوید، یان وات، دیوید دیچز. (۱۳۸۶). *نظریه‌های رمان: از رئالیسم تا پسادرنیسم*. ترجمه حسین پاینده، تهران: چاپ اول، نشر نیلوفر.
- لوکاچ، جورج (۱۳۸۰). *نظریه رمان*، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: چاپ اول، نشر قصه.
- (۱۳۸۵). *پژوهشی در رئالیسم اروپایی*، ترجمه اکبر افسری، تهران: چاپ اول، نشر علمی فرهنگی.
- (۱۳۸۸). *رمان از منظر لوکاچ*، ترجمه محمدجعفر پوینده، درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات، تهران: چاپ اول، نشر چشمه.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۴۹) *درازنای شب*، تهران: نشر زمان، چاپ چهاردهم.
- (۱۳۶۶) *داستان‌های نو*، تهران: چاپ اول، نشر دریا.
- (۱۳۶۸). *کلاغ‌ها و آدم‌ها*، تهران: چاپ اول، نشر نیما.
- (۱۳۷۶). *عناصر داستانی*، تهران: چاپ نهم، نشر علمی و فرهنگ.
- و میرصادقی، میمنت. (۱۳۷۷). *واژه‌نامه داستان‌نویسی*، تهران: چاپ اول: نشر مهناز، ولی‌پور هفشخانی، شهناز. (۱۳۸۷). لوسین گلدمن و ساخت‌گرایی تکوینی، *مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان*، ۲۵: ۱۴۳-۱۲۹.
- هیپولیت‌تن، ژان. (۱۳۷۱). *پدیدارشناسی روح بر حسب نظریه هگل*، تألیف و اقتباس کریم مجتهدی، تهران: نشر علمی و فرهنگی.

Bello-Kanon, I. (2019). Ideology of Form: consciousness and Subjectivity in the Discourse of Genetic Struturalism. CENTREPOINT JOURNAL Humanitie Edition

Cohen, M. (1994). The wager of Lucien Goldman: tragedy, dialectics, and a hidden god: Princeton Univer pers.

The problematic hero in Mirsadghi's works (Long Night & Crows and Men)

Parisa golyari ¹, reza Borzooie ^{2*}, Badrieh qavami ³, jamal Adhami⁴

Abstract

The sociology of the novel deals with the relationship between society and the individual. The novel is the most important modern literary form. Because in the novel description of social currents is created. Its hero is also on influential hero. It was first developed by George Lukcs and then developed by Goldman. According to Goldman the main function of the novel the search for corruption is in a corrupts society that is strongly linked to social structures and there is an inseparable link between this type of literature this type of literature and the developments of modern society. and considering the position and importance of the novel hero in society it is necessary to the sociological analysis of the novel hero in the field of sociology. And considering that Mirsadeghi is a realist writer hero works are a reflection of historical events and can be the characteristic of problematic personality in novels the length of the night and crows and men according to Lucien Goldman's theory, the contract under study. This research examines the most important characteristics of problematic personality in an analytical-descriptive manner. The most important research findings are the problematic personality in each of the novels, which according to characteristics such as individuality, following true and opposite values, and marginalization and destruction of true values lead to the death of the hero and are known as problematic people.

Key words: problematic hero, contemporary fiction literature, the *length of the night* and *crows and men*.

1 . Ph.D student, Department of persien language and literature, sanandaj Branch,islamic azad university,sanandaj, Iran.

(p.golyari1350@gmail.com)

2 . Assistant professor,Department of persian language and Litterrature, sanandaj Branch,islamic Aazd University, sanandi,Iran.

(rebo1344@gmail.com)

3 . Assistant professor, Derparment of Persian language and literature, sanandj Branch,islamic azad university, sanadaj,iran.

(bghavami@iausdj.ac.ir)

4 . Assistant professor, Department of socical sciences, sanandaj Branch, islamic azad university, sanandaj, iran.

(jadhmi2000@gmail.cim)